



Land Reform Implementation in Southern Region of Iran

Zeynab Ghanbarynejad¹ | Habibollah Saedinia²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper reports how the 1960s land reform in Iran was implemented in the southern territory of Iran along the Persian Gulf.

Method and Research Design: Archival material and library resources were consulted to collect data.

Findings and conclusion: The reform in the territory proceeded smoothly after resistance by landlords and tribal chiefs in the neighboring Fars province was suppressed. Landlords voluntarily handed over their ownership documents to the authorities, though some tried to bribe local officials to save their interests. Nonetheless, the absence of an independent department in the region to oversee the reform, lack of financial resources, and trained staff caused some delay in the process.

Keywords:

Land Reform, Iran, Bushehr Province, Hormozgan Province.

Citation:

Ghanbarynejad, Z., Saedinia, H. (2020). Land Reform Implementation in Southern Region of Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 30(2), 6-35. doi: 10.22034/ganj.2020.2421

1. PhD Student of History, Persian Gulf University, Bushehr, I. R. Iran
ghanbaryzaynab@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of History, Persian Gulf University, Bushehr, I. R. Iran ,(Corresponding Author)
h_saedinia@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«118»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2020.2421

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 2, Summer 2020 | pp: 6 - 35 (30) | Received: 11, Nov. 2018 | Accepted: 17, Mar. 2019

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

چالش‌های اجرای اصلاحات ارضی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (۱۳۴۱-۱۳۵۰ ش)

زینب قنبری نژاد^۱ | حبیب‌الله سعیدی نیا^۲

چکیده:

هدف: گزارش ابعاد و روند اجرای اصلاحات ارضی و مشکلات آن در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس.

روش/ رویکرد پژوهش: برای گردآوری داده‌ها، منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای بررسی شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اصلاحات ارضی در این منطقه تحت تأثیر حوادث فارس و برنامه سرکوب مالکان و خوانین منطقه در آرامش و بدون مخالفت پیش رفت. اکثر مالکان بدون مخالفت و داوطلبانه اسناد مالکیت خود را به سازمان اصلاحات ارضی تحویل دادند گرچه برخی کوشیدند با رشوه‌دادن به مأموران اصلاحات ارضی منافعی برای خود حفظ کنند. نبود سازمان مستقل اصلاحات ارضی در مرکز و بخش‌ها و کمبود امکانات مالی و نیروی انسانی آموزش دیده پیشبرد اصلاحات را دشوار کرد.

کلیدواژه‌ها:

اصلاحات ارضی، استان بوشهر، استان هرمزگان.

استناد:

قنبری نژاد، زینب، سعیدی نیا، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). چالش‌های اجرای اصلاحات ارضی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (۱۳۴۱-۱۳۵۰ ش). گنجینه اسناد، ۳۰(۲)، ۳۵-۶. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۱

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
ghanbaryzaynab@yahoo.com
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، (نویسنده مسئول).
h_saeedinia@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۸»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj.۲۰۲۰.۲۴۲۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۲، تابستان ۱۳۹۹ | صص: ۶- ۳۵ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

تحقیقات تاریخی

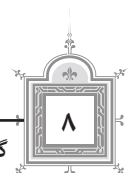
مقدمه

آغاز دههٔ چهل شمسی در تاریخ معاصر ایران همراه با تحولات اجتماعی گسترده‌ای بود که بخش بزرگی از طبقهٔ فرودست و فراموش شده «رعیت» را تحت تأثیر عمده قرار داد. قانون اصلاحات ارضی، بعد از سالیان درازی که در محافل سیاسی کشور بر سر آن جنجال بود، بالأخره در سال ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۱ م با وجود مخالفت‌ها و تنش‌های سیاسی بی‌شمار اجرا شد. قانون اصلاحات ارضی با هدف بهبود اقتصادی جامعهٔ ایران به‌ویژه جامعهٔ روستایی اجرا شد. این قانون با تغییر شیوهٔ مالکیت زمین‌های کشاورزی، یعنی توزیع مجدد آن میان کشاورزان و به‌عبارتی با توزیع عادلانهٔ زمین، درصدد کاهش فقر در مناطق روستایی کشور بود.

اصلاحات ارضی اولین اصل از اصول انقلاب سفید بود و محمدرضا پهلوی آن را از اساسی‌ترین رفرم‌های اجتماعی خود می‌دانست که با اجرای آن زندگی جامعهٔ ۷۵ درصدی روستایی کشور بهبود می‌یافت؛ ولی در واقع اصلاحات ارضی، برنامه‌ای جدا از رفرمی اجتماعی بود. اصلاحات ارضی طرحی سیاسی بود که از طریق آن شاه می‌خواست قدرت سیاسی ملاکان را در نواحی روستایی که اکثریت جامعه ایران را تشکیل می‌داد از بین ببرد و از سوی دیگر در جهت ایجاد جامعهٔ مدرن، نسبت جمعیت شهری به روستایی را تغییر دهد. اصلاحات ارضی به معنی اخص کلمه به تقسیم زمین بین دهقانان و خرده‌مالکان و به معنی اعم آن بر استقرار نظام نوین زراعی در مناطقی که نظام سنتی در آن جا استیلا داشت اطلاق می‌شد. محمدرضا پهلوی به دنبال روند مدرن‌سازی پدرش و فشارهای داخلی و خارجی، برنامهٔ محدود کردن املاک بزرگ‌مالکان را، تحت عنوان اصلاحات ارضی در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۹/۱۶ می ۱۹۶۰ تصویب کرد که به موجب آن مالکیت بزرگ ارضی محدود می‌شد. البته این قانون به دلیل مخالفت‌های داخلی تا زمان نخست‌وزیری علی امینی اجرا نشد. امینی در غیاب مجلسین، لایحهٔ این قانون را در هیئت دولت تصویب کرد و در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۴۰/۹ ژانویه ۱۹۶۲ اجرا کرد. این قانون طی سه مرحله اجرا شد و مدت اجرای آن ده سال طول کشید. مرحلهٔ اول از روستای «ورجوی» مراغه آغاز شد و به تدریج در دیگر مناطق کشور نیز اعلام شد. مرحلهٔ دوم اصلاحات ارضی به‌طور رسمی از طرف کابینهٔ دولت علم در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۲ تصویب شد. مرحلهٔ سوم هم در ۱۹ دی ۱۳۴۵/۹ ژانویه ۱۹۶۷ اعلام شد؛ ولی به‌طور رسمی و واقعی در بهار سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ اجرا شد.

پرسش پژوهش

روند اجرای اصلاحات ارضی و واکنش مالکان، خوانین و کشاورزان در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس به چه صورت بود؟



فرضیه پژوهش

اعلام حکومت نظامی در فارس و دستگیری بسیاری از خوانین متنفذ در جریان کشته شدن رئیس سازمان اصلاحات ارضی فیروزآباد، موجب شد تا مالکان و خوانین جنوب دست از نارضایتی بردارند و به صورت داوطلبانه در سازمان اصلاحات ارضی و یا اداره کشاورزی حاضر شوند و اسناد مالکیت خود را واگذار کنند.

پیشینه پژوهش

در جریان اصلاحات ارضی و بعدازآن، مؤسسه مطالعات روستایی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران مطالعات موردی بسیاری را در زمینه اصلاحات ارضی در مناطق مختلف کشور از جمله در نواحی مختلف خراسان، اطراف تهران و شمال کشور انجام دادند. به دنبال رونق گرفتن مطالعات دهقانی و روستایی در اواخر دهه ۴۰ و ۵۰، در سال ۱۳۵۲ مرکز پژوهش «خلیج فارس و دریای عمان» به سرپرستی «محمود زند مقدم»، زیر نظر سازمان برنامه و بودجه تأسیس شد. این مرکز تا سال ۱۳۵۶ که در مؤسسه پژوهشی دیگری به نام «پژوهش‌های دهقانی و روستایی» ادغام شد، تحقیقات مفیدی در زمینه وضعیت روستاها در قبل و بعد از اصلاحات ارضی در نواحی جنوب، انجام داد که عموماً درباره نواحی مختلف سیستان و بلوچستان و بنادر دریای عمان بود (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۱-۱۵۹). به طور کلی درباره نحوه اصلاحات ارضی در فرمانداری کل بندر و جزایر خلیج فارس اگرچه به صورت پراکنده می‌توان مطالبی را در متون نگاشته شده درباره اصلاحات ارضی یافت، ولی پژوهشی مستقل که نحوه اجرای اصلاحات ارضی در این فرمانداری و چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه آن را بررسی کرده باشد انجام نشده است.

تقسیمات کشوری و موقعیت فرمانداری بندر و جزایر

بوشهر و شهرستان‌های تابعه آن در سال ۱۳۳۳ به فرمانداری کل تبدیل شد؛ ولی تا قبل از آن در زمان قاجار جزء ایالت فارس و در زمان پهلوی هم جزء استان هفتم یا همان استان فارس بود. حدود فارس در عهد ناصری و مظفری، علاوه بر تمام نواحی فارس فعلی، شامل بوشهر، هرمزگان، کوه گیلویه و بهبهان نیز بود که بوشهر و هرمزگان، با عنوان «بندر و جزایر» به مرکزیت بوشهر به صورت مستقل اداره می‌شد و حکمران آن با عنوان «دریابگی» در برخی امور از فرمان‌فرمای فارس تبعیت می‌کرد (حسینی فسایی، بی‌تا، صص ۱۶۸). به تدریج رخدادهای سیاسی، نظامی و ضرورت‌های اقتصادی و تجاری بر قدرت و قلمرو

حکمرانی بنادر افزود. در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م از طرف وزارت داخله، بنادر محلی دشتی و دشتستان نیز از فارس جدا و به حکومت بنادر ضمیمه شد. در اول همان سال «مظفر نظام» از طرف ایالت فارس به نایب‌الحکومه آنجا مأمور شد و با فوج مخصوص وارد بوشهر شد (ساکما تهران، ۶۲۱۲۷-۲۴۰). در اولین تقسیمات کشوری در دوره رضاشاه در سال ۱۳۱۶/۱۹۳۷ کشور به ده استان به ترتیب شماره تقسیم‌بندی شد. در این تقسیم‌بندی بوشهر یکی از شهرستان‌های استان هفتم شد و طبق تبصره‌ای جزایر مجاور هر شهرستان هم تابع آن قرار گرفت (امیراحمدیان، ۱۳۸۵، صص ۸۳-۸۴؛ محرمی و مهربان، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

در زمان محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰ آیین‌نامه‌ای جدید تصویب شد. در این آیین‌نامه در تقسیمات کشوری تغییراتی داده شد و تعداد شهرستان‌ها افزایش یافت. هم‌چنین قرار شد استان‌ها به جای شماره، به نام اصلی خودشان نامیده شوند. در تقسیم‌بندی جدید استان هفتم به استان فارس تبدیل شد و شهرستان بوشهر هم‌چنان جزء این استان باقی ماند (فریدی مجید، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۹). در این زمان، دولت مرکزی خواهان کنترل مستقیم بر مناطق ساحلی خلیج فارس و کاستن از حوزه نفوذ شیراز بود؛ بنابراین طبق تصویب‌نامه شماره ۲۳۱۵۱ در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۳۳/۲۰ دسامبر ۱۹۵۴ فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر به همراه فرمانداری کل بنادر و جزایر عمان به مرکزیت بندرعباس تشکیل شد. براساس این تصویب‌نامه فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس شامل سه فرمانداری بوشهر (درجه ۱)، فرمانداری لنگه (درجه ۲) و فرمانداری دشتی و دشتستان (درجه ۳) می‌شد (فریدی مجید، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۹۹-۱۰۰). در شرایط فرمانداری، فرماندار می‌توانست مستقیم با وزیر کشور در ارتباط باشد و از او دستور بگیرد؛ ولی در نهایت می‌بایست تحت نظر استاندار عمل می‌کرد. بنابراین فرمانداری تشکیل شده در سواحل خلیج فارس با اینکه در اداره امور خود مستقل بود، ولی هم‌چنان می‌بایست تحت نظر استاندار استان فارس عمل می‌کرد. در مکاتبات و اسناد اداری و شکایات مردمی موجود هم، تا سال ۱۳۵۲/۱۹۷۳ که بوشهر از فرمانداری کل به استان تبدیل شد، تمامی اسناد و مدارک موجود، عنوان استانداری هفتم و یا استانداری فارس و بنادر را دارد.

وضعیت کشاورزی و مالکیت در فرمانداری بنادر و جزایر

فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس دارای تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل بود؛ هم‌چنین در سواحل خلیج فارس بارندگی نامنظم بود و در نتیجه منابع آب بسیار کم بود. امکانات زیستی محدود باعث شده بود که نواحی شهری و روستایی کوچکی در فواصل دور از یکدیگر شکل گیرند (کلاهی، ۱۳۴۶، صص ۱۲-۱۳؛ حقیقت رفیع،



۱۳۷۶، ص ۱۱۷). اساس زندگی اقتصادی در این فرمانداری، اقتصاد روستایی (کشاورزی، دامداری و صیادی) بود. البته تمام قسمت شرقی فرمانداری در کناره آب‌های خلیج فارس موقعیت مناسب بندری داشت، ولی به دلیل بی‌توجهی دولت و نبود امکانات در امور تجاری و صیادی، بیشتر ساکنان بنادر به فعالیت‌های محدود کشاورزی و دامداری و صیادی مختصر مشغول بودند. یکی از خبرنگاران روزنامه اطلاعات که در آن زمان از این نواحی دیدن کرده، درباره بنادر بوشهر و کنگان نوشته است: «فقط به خاطر داشتن ساحل عنوان بندر را دارند؛ و گرنه از تأسیسات بندری و رونق تجاری در آن‌جا هیچ خبری نیست» (اطلاعات، ۱۳۳۸/۱۰/۲۵، ص ۵). نزدیک به چهارپنجم کل جمعیت منطقه به کشاورزی و دامداری مشغول بودند. در بسیاری از این مناطق سیستم آبیاری قدیمی بود و چون آب‌انبارها به دلیل خشک‌سالی‌های پی‌درپی تخریب شده بودند، آب کافی برای آبیاری وجود نداشت. اکثر آب‌انبارهای این ناحیه چون یک و یا بیش از یک سال خشک و خالی از آب می‌ماندند، ترک برمی‌داشتند و در اثر حرارت زیاد و رطوبت فوق‌العاده هوا تخریب می‌شدند (بیک خجسته، ۱۳۴۵/۳/۲۹، ش ۶۸۷). تقریباً در همه مناطق بوشهر گندم و جو به صورت دیم به عمل می‌آمد و خرما نیز از اقلام عمده صادراتی این ناحیه بود (ایوانف، ۱۳۸۵، صص ۳۶-۳۷).

در روزنامه کیهان آمده است که وضعیت کشاورزی بنادر خلیج فارس اسفناک است و قحطی، خشک‌سالی و ملخ دریایی زراعتی در این مناطق باقی نگذاشته است و کشاورزان بندری در فصل پاشیدن بذر حتی یک کیلو بذر هم برای کشت در اختیار ندارند (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۷، ص ۹).

در آستانه اصلاحات ارضی که کارگروه‌های ویژه مطالعاتی تشکیل شده بود و خبرنگاران روزنامه‌های دولتی فعال شده بودند، تاحدودی به وضعیت مناطق جنوب کشور توجه شد. در گزارش خبرنگاری از روزنامه اطلاعات که به بندر بوشهر و از آن‌جا به کنگان رفته بود، آمده است: «باور نمی‌کنم که من در تهران با چنان آسایش و رفاهی زندگی می‌کنم و مردم کشورم در جنوب حتی یک لقمه نان برای خوردن نداشته باشند» (اطلاعات، ۱۳۳۸/۱۰/۲۵، ص ۵). گزارش‌های منتشرشده در این زمان، دولت را تاحدودی متوجه وضعیت نواحی جنوب کرد. دکتر ارسنجانی وزیر کشاورزی وقت و طراح اصلاحات ارضی در دولت امینی، در یکی از سخنرانی‌های خود در جمع وزیران و نمایندگان مجلس گفت: «کسانی که سنگ حقوق بشر را به سینه می‌زنند، خوب است سری به بنادر جنوب ایران بزنند و بعضی مسائل را از نزدیک ببینند» (کیهان، ۱۳۴۱/۹/۱۵، ص ۱۳).

تا قبل از اصلاحات ارضی ۸۰ تا ۸۵ درصد زمین‌های آباد کشور بین گروهی از خان‌ها و



فئودال‌های بزرگ و قشر بروکرات تقسیم شده بود. در سال‌های ۱۹۲۵/۱۳۰۴ تا ۱۹۴۱/۱۳۲۰ املاک بسیاری از رؤسای قبایل و خوانین گردنکش محلی صادره شد و به تملک دولت درآمد که از طریق راه‌های مختلف به وسیله تازه‌واردان تصرف شد. با توسعه قدرت دولت مرکزی و پیدایش کادر نیرومند اداری، بسیاری از زمین‌های مالکانی که رضاشاه ساقطشان کرده بود، به بروکرات‌های تازه‌ارباب منتقل شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳). هم‌چنین با توسعه بازار داخلی گروهی از تجار، رباخواران و مقاطعه‌کاران سودهای کلانی به دست آوردند و مقدار زیادی از این سرمایه‌ها را به خرید زمین اختصاص دادند. خوانین هم در سال‌های خشک‌سالی و کمی محصول، به دلیل مشکلات مالی، بسیاری از املاک خود را به تجار واگذار کردند (سوداگر، ۲۵۳۷، صص ۱۱۴-۱۱۵). مالکان جنوب کشور هر چند که از نظر وسعت اراضی از عمده‌مالکان محسوب می‌شدند، ولی از نظر ثروت چندان متمکن نبودند (خواندنی‌ها، ۱۳۴۰/۱۱/۲۱، صص ۶ و ۴۶-۴۷). زمین در نواحی جنوب کشور به دلیل خشک‌سالی‌های پی‌درپی، چندان بازدهی و درآمدی نداشت؛ به همین دلیل مالکان این نواحی چندان ثروتمند نبودند و عموماً مقروض و بدهکار تجار بودند و چون در بسیاری از موارد قادر به پرداخت قروض خود نبودند، درازای آن، بخشی از املاک خود را به تجار واگذار می‌کردند. از جمله تجار مالک‌شده از این راه در بوشهر، ملک‌التجار بوشهری بود که نه تنها در بوشهر بلکه در ممسنی فارس نیز املاک بسیاری را مالک شد (دومورینی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴).

درباره اسامی و تعداد مالکان بوشهر اطلاعات دقیقی وجود دارد. در سال ۱۳۲۰ قبل از سقوط رضاشاه، وزارت کشور از استانداری فارس (استان هفتم) خواست تا سیاهه‌ای از اسامی ملاکان و بازرگانان عمده و اشخاص درجه اول فارس و بوشهر تهیه کنند. بنابراین به دستور مستقیم شاه استانداری و تمامی بخشدارهای موظف شدند به صورت مخفی و محرمانه به طوری که هیچ‌یک از مالکان مطلع نشوند، آمار دقیقی از میزان دارایی و دیگر اطلاعات شخصی (سن، میزان سواد، دین، اخلاق و محل اقامت) مالکان تهیه و به وزارت کشور ارسال کنند. بدین ترتیب آماری از مالکان استان هفتم (فارس) که ظاهراً مسئله حکومت محلی و نظام خان‌خانی در آن پررنگ‌تر بود، تهیه شد (ساکما، ۱۳۵۰-۰۰۰۱۸۳). هم‌چنین بخشدارهای حوزه بنادر و جزایر خلیج فارس هم که در این زمان جزء استان هفتم بودند، فهرستی از اسامی و میزان دارایی مالکان و تجار به همراه اطلاعات شخصی آن‌ها تهیه کردند و به مرکز استانداری ارسال کردند. نکته قابل ذکر درباره این گزارش این است که به جز تعداد معدودی از این مالکان مانند خان‌علی حیات‌داودی (از ملاکان بزرگ گناوه و ریگ و بوشهر) که محل سکونتش در شیراز بود، اکثر مالکان و خرده‌مالکان این نواحی



معمولاً در شهر نزدیک به محل املاک خود و یا در محل املاکشان اقامت داشتند (ساکما، ۴۰۵۴-۲۹۰)؛ این در حالی بود که اکثر مالکان در ایران در تهران و یا مراکز استان اقامت داشتند و عموماً غایب از املاک خود بودند. از جمله مالکان ساکن در محل عبارت بودند از: عبدالرسول طالبی، خلیل دشتی، نصرالله حقیقت، سیدجعفر طبیب، سیدمحمد صالح طبیب، علی باباحاجی و رضا خوشابی همگی ساکن بوشهر؛ احمد حیات داودی ساکن مال قاید؛ عبدالرسول احمدی ساکن جزیره خارک؛ احمد انگالی ساکن بندر ریگ؛ احمد دشتی زاده ساکن گناوه؛ حاجی حسن برکت ساکن بندر ریگ؛ فرخ، باقر، و رضا پاپری ساکن برازجان؛ منصور شبانکاره ساکن ده کهنه برازجان؛ آفاخان شبانکاره ساکن درودگاه برازجان؛ و حاجی احمد وثوقی ساکن برازجان. این مالکان عموماً هم به بوشهر و هم به شیراز رفت و آمد داشتند (ساکما، ۱۸۳-۰۰۰۱۳۵).

بر اساس اطلاعات موجود، از لحاظ مالکیت، فرمانداری بوشهر به چهار بخش و چهارده دهستان تقسیم شده بود. ۱. بخش بوشهر دارای دو دهستان چاکوتاه و بهمنی که همه املاک آن شش دانگ و متعلق به خرده مالکان متعدد بود. ۲. بخش بندر ریگ شامل: سه دهستان حیات داودی، انگالی و رودحله. شش دانگ املاک دهستان حیات داودی متعلق به مالکان محمد حیات داودی، الله کرم حیات داودی، خان علی حیات داودی، احمد حیات داودی، مراد حیات داودی و بانو طلعت حیات داودی بود. از روستاهای این بخش تنها گناوه متعلق به خرده مالکان بود. دهستان انگالی شش دانگ متعلق به احمد انگالی و دهستان رودحله شش دانگ متعلق به خان علی حیات داودی بود. ۳. بخش دیلم شامل دهستان لیراوی بود که چهار دانگ آن متعلق به طالب بوشهری و دو دانگ آن متعلق به آفاخان امری لیراوی بود. ۴. بخش برازجان شامل هشت دهستان: دشتستان، شبانکاره، عیسوند، زیارت، دالکی، مزارعی، زیره، و کنگان بود. عمده املاک دهستان دشتستان متعلق به خرده مالکان بود. شش دانگ دهستان‌های شبانکاره، زیارت و عیسوند خرده مالکی بود. شش دانگ دهستان دالکی متعلق به زهرا باقی بود. سه دانگ دهستان مزارعی متعلق به سیدمحمی الدین مزارعی و سه دانگ دیگرش متعلق به جهانگیر کشکولی و عبدالله قاسمی بود. شش دانگ دهستان زیره متعلق به حسن علی حکمت بود. سه دانگ روستای سعدآباد از دهستان زیره متعلق به ورثه نظام السلطنه و مابقی متعلق به حاجی نصرالله حقیقت، زهرا باقی، کربلایی غلام برازجانی، و حاجی عبدالله شهیم بود. دو و نیم دانگ از دهستان کنگان خالصه و متعلق به دولت بود؛ سه دانگ آن متعلق به ابراهیم عصفوری و نیم دانگ دیگر آن متعلق به عبدالله برازجانی بود (ساکما، ۴۴۳۶-۲۹۳-۹۸).

بخش	دهستان	وضعیت مالکیت
۱. بوشهر	۱. چاکوتاه	شش دانگ متعلق به خرده‌مالکان
	۲. بهمنی	
۲. بندر ریگ	۱. حیات داودی	شش دانگ متعلق به محمد حیات داودی، الله کرم حیات داودی، خان‌علی حیات داودی، احمد حیات داودی، مراد حیات داودی و بانو طلعت حیات داودی.
	۲. انگالی	شش دانگ متعلق به احمد انگالی
	۳. رودحله	شش دانگ متعلق به خان‌علی حیات داودی
۳. دیلم	۱. لیراوی	چهار دانگ آن متعلق به طالب بوشهری و دو دانگ آن متعلق به آقاخان امری لیراوی
۴. برازجان	۱. دشتستان	شش دانگ خرده‌مالکی
	۲. شبانکاره	شش دانگ خرده‌مالکی
	۳. عیسوند	شش دانگ خرده‌مالکی
	۴. زیارت	شش دانگ خرده‌مالکی
	۵. دالکی	شش دانگ آن متعلق به زهرا باقی
	۶. مزارعی	سه دانگ سیدمحمی‌الدین مزارعی سه دانگ جهانگیر کشکولی و عبدالله قاسمی
	۷. زیراه	شش دانگ حسن‌علی حکمت
	۸. کنگان	دو و نیم دانگ خالصه، سه دانگ ابراهیم عصفوری، نیم دانگ عبدالله برازجانی

جدول ۱

وضعیت مالکیت در فرمانداری بندار و جزایر خلیج فارس

منبع: (ساکما، ۴۴۳۶-۲۹۳-۹۸).

روش تقسیم محصول میان مالک و رعیت در جنوب نیز مانند دیگر نقاط کشور اصل پنجیک بود. طبق این روش محصولات کشاورزی براساس عوامل تولید (زمین، آب، گاو، بذر، و کار) میان مالک و رعیت تقسیم می‌شد. از آنجاکه در اکثر نقاط کشور به‌ویژه نواحی جنوبی زارع بسیار فقیر و بی‌چیز بود و از عوامل تولید تنها مالک کار بود، بنابراین سهم او از محصول در حد بخور و نمیر بود و این موضوع مهم‌ترین عامل ایجاد دشمنی میان رعیت



و مالک بود (مراغه‌ای، بی‌تا، صص ۱۹۳-۱۹۴). کشاورزی با روش‌های قدیمی و سنتی محصول زیادی نداشت؛ علاوه بر این، مالکان هم برای افزایش درآمد خود با زور و فشار به اسم سیورسات و بیگاری و امثالهم از سهم رعیت برمی‌داشتند (سروش، ۱۳۲۴/۱۱/۲۲، ص ۱).

در دهات ساحلی خلیج فارس، اراضی روستا به قطعات متعددی به نام «صحرا»^۱ تقسیم می‌شد. از شیراز تا لار و از لار تا سواحل خلیج فارس زمین‌های آبی را هر سال میان برزگرانی که خیش یا نسق داشتند «پشک» می‌کردند (لمبتون، ۱۳۴۵، ص ۳۱۹). پشک نوعی قرعه‌کشی سنتی بود که برای مشخص کردن برخی عوامل و ابزار تولید انجام می‌شد (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸، صص ۲۴-۲۵).

در اکثر نقاط بوشهر گندم و جو به صورت دیمی کاشته می‌شد و بهره مالکانه آن نیز براساس همان اصل پنج‌یک بود. به جز نخیلات دشتستان که با آب رودخانه آبیاری می‌شد، عمده نخیلات دیگر نقاط عموماً با آب چاه آبیاری می‌شد. نخیلات در جنوب فارس و هم‌چنین سواحل خلیج فارس به تعداد معینی اجاره داده می‌شد. «غارس» مستأجر بی‌نسقی بود که در نخیلات و باغات مرکبات در جنوب فعالیت داشت. آن‌ها وظیفه غرس و پرورش نخل و مرکبات را به عهده داشتند و محصول به دست آمده را براساس توافق قبلی و نوع قراردادی که با مالک داشتند، میان خود تقسیم می‌کردند (خسروی، ۱۳۵۷، ص ۱۳۶). از دیگر محصولات عمده در سواحل خلیج فارس، صیفی‌کاری بود که بهره مالکانه آن بیشتر به صورت نقدی پرداخت می‌شد. علاوه بر بهره مالکانه^۲ که عاید مالک می‌شد، مقادیر دیگری هم از سهم زارع بابت سایر دیون و مطالبات کم می‌شد که انواع و اقسام فراوانی داشت (لمبتون، ۱۳۴۵، صص ۵۳۹-۵۵۵).

اجرای اصلاحات ارضی در فرمانداری گل بندر و جزایر خلیج فارس

بوشهر از زمان کریم‌خان زند که به عنوان مرکز تجارت ایران در خلیج فارس تعیین شد، موقعیت تجاری و بازرگانی عمده‌ای یافت. این موقعیت در دوره‌های بعد به دلیل مشکلات داخلی ایران، بی‌توجهی دولت مرکزی، و وجود جنگ و درگیری‌های داخلی و خارجی در این نواحی بسیار متزلزل شد؛ ولی ضربه نهایی بر نقش تجاری و بازرگانی بوشهر و بندر تابعه آن در زمان رضاشاه و بعد از احداث راه آهن سراسری وارد شد. با احداث این راه آهن مرکز فعالیت‌های تجاری جنوب، به خوزستان منتقل شد؛ هم‌چنین با تصمیم وزارت بازرگانی برای محدود کردن معاملات مرزی و پایاپای، وضع کسب‌وکار در بوشهر کاملاً از رونق افتاد (پارس، ۱۳۴۱/۸/۱۲، ص ۱). بنابراین در سال‌های قبل از اصلاحات ارضی،

۱. سازمان‌های تولیدی زراعی متداول در عصر مشروطیت در نقاط مختلف ایران نام‌های مختلفی داشت: در تهران بنه، در شیراز حرآئه، در خراسان صحرا، در خوزستان خیش، در غرب جفت و... این سازمان‌های تولید به علت کمبود آب برای کشت به همکاری بین زارعان نیاز داشت و مالکیت واحدی را به وجود می‌آورد (زاهدانی و ایمان، ۱۳۶۱، ص ۳).

۲. بهره مالکانه: تقسیم محصول بین مالک و رعیت براساس سهم هرکدام در عوامل پنجگانه تولید (زمین، آب، گاو، بذر، کار). این بهره به صورت نقدی یا جنسی بین مالک و رعیت تقسیم می‌شد (لمبتون، ۱۳۴۵، صص ۵۳۹-۵۵۵).

عمده ساکنان بنادر و جزایر خلیج فارس، عموماً به کشت‌وزرع و دامداری و مختصری به صیادی اشتغال داشتند. باتوجه‌به وضعیت آب‌وهوا و در نتیجه محرومیت منطقه، اکثر ساکنان این نواحی در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۳۸/۱۰/۲۵، ص ۱۵). در آستانه اصلاحات ارضی، قحطی، خشک‌سالی و ملخ دریایی، زراعتی در این مناطق باقی نگذاشته بود. با محدود شدن معاملات مرزی، اهالی بنادر جنوب حتی نمی‌توانستند مایحتاج اولیه خود را تهیه کنند. در این زمان دستور داده شد که ساکنان بنادر براساس جیره‌بندی، از طریق مبادلات مرزی احتیاجات خود را برطرف کنند (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۷، ص ۹). با وجود چنین مشکلاتی، زمانی که زمزمه اصلاحات ارضی در کشور مطرح شد، فرماندار کل بنادر و جزایر خلیج فارس «علی‌مراد زند» از اولین کسانی بود که از آمادگی مناطق تحت فرمانش برای اجرای اصلاحات ارضی خبر داد (کیهان، ۱۳۴۰/۴/۱۷، ص ۱۷).

حوادث فارس و تأثیر آن بر اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس

اجرای اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس هم‌زمان با استان فارس اعلام شد. کشته‌شدن سرپرست اصلاحات ارضی فیروزآباد در فارس پرتنش‌ترین رویدادی بود که در جریان اصلاحات ارضی در کشور رخ داد. در این زمان با وجود اینکه تقریباً نزدیک به یک سال از اجرای قانون اصلاحات ارضی در مناطق شمالی کشور می‌گذشت؛ ولی ظاهراً ملاکان و خصوصاً ملاکان جنوب آن را هنوز جدی نگرفته بودند و منتظر لغو این قانون و بازگشت اوضاع به روال سابق بودند. بعد از برکناری امینی و روی کار آمدن علم بسیاری گمان می‌کردند که این برنامه لغو خواهد شد. زمانی که علم روی کار آمد بسیاری از مخالفان و از جمله مالکان کوشیدند با فشار به دولت در برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس، دولت را به اعلام غیرقانونی بودن اقدامات دولت قبل وادار کنند؛ ولی این نقشه هرگز عملی نشد. علم از همان آغاز در مصاحبه‌های خود اعلام می‌کرد که انتخابات به‌زودی برگزار خواهد شد؛ ولی بعداً اعلام کرد که قانون انتخابات به اصلاحات نیاز دارد و این امر تا سال بعد عملی نخواهد بود (اطلاعات، ۱۳۴۱/۱۲/۲۸، ص ۱۷). در آغاز نخست‌وزیری علم، اجرای اصلاحات ارضی به روال سابق خود ادامه یافت؛ خصوصاً به دلیل این‌که وزیر کشاورزی و مجری اصلاحات ارضی یعنی دکتر ارسنجانی در پست خود باقی ماند. همه این عوامل باعث شد تا مالکان یقین پیدا کنند که دیگر چیزی به روال سابق خود باز نمی‌گردد و اجرای اصلاحات ارضی در املاک آنان نیز حتمی خواهد بود. بنابراین زمانی که انتظار آن‌ها برای لغو قانون اصلاحات ارضی، از راه قانونی بی‌نتیجه ماند، خود دست‌به‌کار شدند. موضوع دیگر درباره ملاکان جنوب این بود که آنان به درآمدهای مالکانه خود وابستگی شدیدی داشتند و غیر از درآمد املاک در آمد دیگری



نداشتند؛ به همین علت، مالکان جنوب به هیچ وجه حاضر نبودند املاک خود را واگذار کنند و درآمد خود را از دست بدهند (لمتون، ۱۳۹۴، صص ۱۳۰-۱۳۱).

از اوایل مهر ۱۳۴۱ کارگروه‌هایی در فارس تشکیل شده بود تا درباره مناطق مختلف فارس آماربرداری کنند. از آنجاکه اصلاحات ارضی، در فیروزآباد اعلام شده بود، به همین جهت کارگروهی به سرپرستی مهندس ملک عابدی که به ریاست سازمان اصلاحات ارضی فیروزآباد منصوب شده بود، در تاریخ ۱۳۴۱/۸/۳ از طرف اداره کشاورزی فارس مأموریت یافت که برای بررسی و آمارگیری دهستان‌های فیروزآباد به آن ناحیه عزیمت کند (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ص ۱۶). این گروه چند هفته در منطقه حضور داشتند و به آمارگیری مشغول بودند؛ ولی حادثه‌ای مهم در بعدازظهر ۲۲ آبان همان سال رخ داد؛ مهندس عابدی در هنگام بازگشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد (اطلاعات، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ص ۱۷).

ناحیه فیروزآباد مرکز قلمرو ایل خانان قشقایی بود و خوانین قشقایی از خوانین متنفذ منطقه و کشور محسوب می‌شدند. وقتی آن‌ها از ورود گروه‌های آمارگیری مطلع شدند، تمام نیروها و تفنگچیان خود را جمع کردند و به حالت آماده‌باش نگه داشتند؛ بنابراین زمانی که این اتفاق رخ داد، تمام ظن و گمان‌ها درباره قاتل عابدی متوجه مخالفان اصلی اصلاحات ارضی یعنی خوانین قشقایی شد. دکتر ارسنجانی در همان جلسه اولیه دولت اظهار داشت که این جنایت به تحریک ملاکان بزرگ فارس انجام شده است. آن‌ها جلسات سری تشکیل داده‌اند و حتی پول‌هایی را نیز برضد اصلاحات ارضی در منطقه فارس خرج کرده‌اند. او گفت: گزارش‌های مکرری به دولت می‌رسد، دایر بر این که مالکان بزرگ و برخی از عناصر دیگر مرتباً در فیروزآباد جمع می‌شوند تا برای کارشکنی در اصلاحات ارضی توطئه کنند (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ص ۱۵). هم‌چنین ارسنجانی در پایان همان جلسه اعلام کرد: این تحریکات باعث شده است تا اصلاحات ارضی در سرتاسر منطقه فارس با سرعت بیشتر و هم‌زمان با یکدیگر انجام شود و کار اصلاحات ارضی در فارس تا یک ماه دیگر به پایان می‌رسد (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ص ۱۵). منظور ارسنجانی از این سخنان گزارش‌های مأموران ساواک بود که مرتب به تهران ارسال می‌شد؛ خصوصاً بعد از اعلام قانون اصلاحات ارضی که مالکان و خوانین به‌طور ویژه مورد مراقبت قرار داشتند.

از زمان اعلام لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مهرماه ۱۳۴۱ توسط دولت علم تا انتشار آگهی نوبتی اجرای قانون اصلاحات ارضی در فارس و بوشهر و کشته شدن ملک عابدی، محافل و مجالسی از طرف علمای شیراز و ملاکان به‌عنوان مخالفت با شرکت زنان در انتخابات و قانون اصلاحات ارضی در شیراز برگزار می‌شد. حتی مالکان جلساتی در استانداری و در حضور مقامات ذیصلاح تشکیل دادند و تا قبل از اعلام آگهی عمومی،

روحانیون نامه‌ای مبنی بر مخالفت خود با اجرای قانون اصلاحات ارضی و شرکت زنان در انتخابات، به استانداری و ادارات انتظامی تسلیم کردند (کیهان، ۱۳۴۱/۸/۲۳، ش ۵۸۰۱، ص ۱۵). گزارش این جلسات از طرف سازمان اطلاعات و امنیت فارس و بنادر مرتب به تهران ارسال می‌شد. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: ملاکان درجه یک فارس از جمله، ولی کیانی، سیدمحمی‌الدین مزارعی، حاج‌عبدالمحمد بهبهانی، حاج‌محمدحسین بهبهانی و ورثه او، حیات‌داودی‌ها، ورثه مرحوم خواجه‌نوری، حسن علی حکمت و عده‌ای دیگر مرتباً جلسات خود را در شیراز دایر می‌کنند و درصدد جلوگیری از تقسیم املاک از طریق راه قانونی‌اند (ساکما، ۸۹۱۵-۲۹۳-۹۸). زمانی که قتل ملک عابدی رخ داد تمام مالکان و روحانیون شیراز در استانداری حضور یافتند و سریعاً اعلام کردند که حادثه فیروزآباد هیچ ربطی به آنان ندارد و کاملاً از آن بی‌خبرند؛ بعد از این واقعه هم این جلسات به کلی تعطیل شد.

سازمان اطلاعات و امنیت فارس و بنادر از زمان تصویب اصلاحات ارضی در کشور، از حساس بودن این امر در مناطق جنوب کشور به علت وجود خوانین متعدد ایالات مطلع بود و دائماً حرکات خوانین را زیر نظر داشت و همه را به مرکز گزارش می‌داد. در بین اسناد و مدارک موجود، گزارشی وجود دارد که ظن دولت را به یقین تبدیل کرد. در این گزارش آمده بود که چند روز قبل از این حادثه، خوانین کشکولی قشقایی علی‌الخصوص عبدالله قاسمی کشکولی، سهراب ضرغامی کشکولی و ولی کیانی عمده مالکان فارس، از اجرای اصلاحات ارضی بسیار ناراحت بوده‌اند و در مذاکرات خود گفته بوده‌اند که اگر در جریانات اخیر چهل نفر یک‌دل و یک‌جان و مورد اعتماد با آن‌ها همراه می‌شد می‌توانستند در برابر این قانون ایستادگی کنند (ساکما، ۸۹۱۵-۲۹۳-۹۸).

واقعیت این موضوع همان‌طور که دیگر پژوهش‌گران نیز به آن اشاره کرده‌اند، این بود که دولت با بزرگ‌نمایی قتل عابدی درصدد بهره‌برداری سیاسی از این رخداد بود. در فاصله میان تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۱۴ و لغو آن در تاریخ ۱۳۴۱/۹/۸ که شکستی سیاسی برای شاه و دولت علم محسوب می‌شد تا تاریخ ۱۳۴۱/۱۰/۱۹ که فرماندوم لوایح شش‌گانه در کنگره دهقانان اعلام شد، رژیم با طرح و بزرگ‌نمایی قتل مشکوک رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد، به تبلیغاتی جنجالی دست زد که دامنه آن به مطبوعات و جراید خارجی نیز کشیده شد. رادیو مسکو و مجله هفتگی «توویا گرنیا» قتل ملک عابدی رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد را ناشی از مخالفت‌های «فتودال‌ها و ملاکین به منظور حفظ امتیازات قرون وسطایی تحلیل و تفسیر کرد» (پارس، ۱۳۴۱/۸/۲۳، صص ۱-۲؛ خاطرات ۱۵ خرداد شیراز، ج ۲، ۱۳۷۵، صص ۲۶۶-۲۶۷).



بعداز غائله فارس و کشته شدن «ملک عابدی» روند اصلاحات ارضی در فارس بسیار تسریع شد. این موضع موجب شد تا کارگروه‌های اعزامی به فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس هم که از نظر اداری زیر نظر استان فارس بود، به سرعت تشکیل و به منطقه اعزام شود. دولت هم به بهانه پیشگیری از تکرار حادثه فارس و کنترل اوضاع، تمام نیروهای ژاندارمری فارس و فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس را به حالت آماده‌باش درآورده بود و به همراه کارگروه‌های اصلاحات ارضی تعدادی نیروی ژاندارم اعزام می‌کرد (ساکما، ۸۹۱۵-۲۹۳-۹۸).

مرحله اول اصلاحات ارضی

انجام اصلاحات ارضی به عهده سازمان اصلاحات ارضی بود که هم‌زمان با اعلام آگهی اصلاحات ارضی در هر منطقه در مرکز استان تشکیل می‌شد. آگهی نوبت اول اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس هم‌زمان با استان فارس در ۲۲ آبان ۱۳۴۱/۱۳ نوامبر ۱۹۶۲ اعلام شد. در این زمان با وجود محدودیت‌ها سازمانی مستقل در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس تشکیل نشد. همه امور اصلاحات ارضی در مرحله اول از طرف سازمان اصلاحات ارضی فارس و زیر نظر استانداری فارس انجام شد. اولین اکیپ اجرایی اصلاحات ارضی در فرمانداری شامل، مهندس پرهیزکار، دکتر خلیلی، مهندس لیاقت، مهندس بهیعی و چند کارمند اداره کشاورزی و اداره جنگلبانی به سرپرستی مهندس مشتاق بود که روز ۱۱ آذر ۱۳۴۱/۲ دسامبر ۱۹۶۲ وارد بوشهر شدند و همراه فرماندار کل بنادر و جزایر خلیج فارس «مهندس علی مراد زند» و فرمانده هنگ ژاندارمری بوشهر به برازجان رفتند (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸). در این مرحله با زهرچشمی که در جریان قتل عابدی از مالکان گرفته شده بود، «شبانکاره، صمیمی کمارجی و شعبان شیهم» که از عمده مالکان دشتستان بودند، بلافاصله در فرمانداری حاضر شدند و ظاهراً با میل اظهارنامه‌های خود را دریافت کردند (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸).

در این بین عده‌ای هم بودند که احتمالاً برای تحریک دیگران و مشوش کردن اوضاع گزارش‌هایی غلط تهیه می‌کردند و با پیش کشیدن موضوعات جدید در صدد ایجاد اختلال در اجرای برنامه بودند. در بین گزارش‌های ارسالی به استانداری فارس، گزارشی به تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۴۱/۳ دسامبر ۱۹۶۲ وجود دارد که نویسنده در آن اعلام خطر می‌کند که اجرای قانون اصلاحات ارضی در تنگستان، اهرم، خورموج، دشتستان، حیات داودی و به‌ویژه شبانکاره تابعه بوشهر بدون خونریزی انجام‌پذیر نیست. در این گزارش آمده است: اجرای اصلاحات در این ناحیه بدون انحلال فرمانداری کل بنادر و ضمیمه کردن این صفحات به

استان فارس غیرممکن است. هم‌چنین اعلام شده است که افرادی کوه‌فکر تحریکاتی علیه اصلاحات ارضی انجام می‌دهند (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸).

به‌دنبال این گزارش به‌دستور استانداری فارس و برای جلوگیری از تکرار حوادث گذشته، سرگرد «فروتن» افسر منطقه برازجان با نیروهای خود به‌صورت آماده‌باش در منطقه حضور یافتند. دستور داده شده بود تا با مشاهده کوچک‌ترین اخلال، متخلفان را جلب و به شیراز اعزام کنند. هم‌چنین تأکید شده بود، مأموران در منطقه مربوطه با کمال هوشیاری و با تشکیل کمسیون‌های دائم از رؤسای محل، فرمانداری‌ها و بخشدارهای مراقب اوضاع باشند تا کوچک‌ترین بی‌نظمی‌ای مشاهده نشود (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸).

بع‌د از حوادث فارس بسیاری از مالکان ایلات و عشایر در نواحی مختلف استان که کوچک‌ترین ظنی به آنان وجود داشت، دستگیر شدند. این موضوع باعث ترس بسیاری از مالکان شد و اگر تا این زمان هم مخالفتی با اصلاحات ارضی داشتند، به‌دلیل ترس از دستگیری دیگر مخالفتی نداشتند. بع‌د از این جریانات عمده مالکان فارس و بوشهر داوطلبانه در سازمان اصلاحات ارضی حاضر شدند و اظهارنامه‌های خود را تحویل گرفتند. بنابراین می‌توان گفت تهیه‌کننده گزارش که احتمالاً از طرف یکی از مالکان اجیر شده بوده است، با تهیه این خبر در صدد تشویش خاطر مسئولان و اخلال در کار اصلاحات ارضی بوده است و با تأکید بر انحلال فرمانداری کل در صدد ایجاد درگیری مجدد بر سر موضوع تقسیمات کشوری و ایجاد تشویش در میان تمام ساکنان فرمانداری بنادر و جزایر بوده است.

ترفند دولت در اجرای اصلاحات ارضی در جنوب در مرحله اول به‌خوبی پیش رفت. مهندس زند، طی گزارشی برای استاندار فارس سپهبد وره‌رام در تاریخ ۲۳ آذر ۱۳۴۱ اعلام کرد: از بدو ورود مأموران سازمان اصلاحات ارضی در بوشهر و شروع به اقدام در حوزه فرمانداری کل به‌هیچ‌وجه اخلال و تحریکاتی از طرف مالکان انجام نشده است و مأموران با کمال قدرت و آرامش وظایف محوله را انجام داده‌اند. او اعلام کرد: از همان ابتدای امر «ملک منصور شبانکاره و اردشیر شبانکاره» مالکان زیراه برازجان، و هم‌چنین «محمدعلی لیراوی» مالک دهستان لیراوی قبل از ورود مأموران اصلاحات ارضی به فرمانداری کل مراجعه کرده‌اند و آمادگی خود را برای تقسیم املاکشان اعلام کرده‌اند (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸). هم‌چنین به تأیید مهندس مشتاق سرپرست سازمان اصلاحات ارضی در بنادر و جزایر، در مرحله اول نظم و آرامش در همه‌جا برقرار بود و اکیپ‌های اعزامی به دهات این ناحیه با استقبال پرشور مالکان و کشاورزان مواجه شده بودند. آمارگیری دهات در مرحله اول با کمال نظم و آرامش انجام شد. در این مرحله دوازده نفر از عمده‌مالکان مشمول، بدون هیچ مرافعه‌ای اسناد مالکیت خود را به سازمان اصلاحات ارضی تحویل دادند و اظهارنامه



دریافت کردند (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸).

گزارش اقدام مالکان بوشهر بلافاصله به تهران به دفتر نخست‌وزیری و وزیر کشور ارسال شد و نخست‌وزیر از اقدام «ملک منصور شبانکاره و اردشیر شبانکاره» تقدیر کرد. به‌دستور دولت، اولین دهی که مأموران اصلاحات ارضی آمارگیری را در آن شروع کردند، ملک برادران شبانکاره بود (ساکما، ۲۹۷۵-۲۹۳-۹۸).

مرحله اول اصلاحات ارضی در بوشهر تا سال ۴۵ ادامه داشت. این در حالی بود که از نظر زمان‌بندی اصلاحات ارضی در کشور، در سال ۴۵ مرحله دوم آن نیز پایان یافته بود. در فرمانداری خلیج فارس مناطقی بودند که مشمول مرحله اول شده بودند، ولی تا پایان کار اصلاحات ارضی تنها از محل آماربرداری شده بود. در واقع سرعت در کار اصلاحات ارضی در جنوب در مرحله اول، تنها در آمارگیری بود و در بعضی از مناطق کار تقسیم زمین تا سال ۴۷ یا ۴۸ هم هنوز انجام نشده بود (ساکما، ۱۴۱۷۲۳-۲۹۳). طبق گزارش سازمان اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر تعداد روستاهای خریداری شده توسط دولت ۱۸۱ قریه، و تعداد خانوارهایی که زمین دریافت کرده بودند ۶۱۱ خانوار بودند. از این تعداد روستا ۴۹ تای آن شش‌دانگ و ۱۳۲ روستا کمتر از شش‌دانگ بود که دولت آن‌ها را خرید و بین زارعان صاحب‌نسق تقسیم کرد (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶).

منطقه	تعداد روستاهای خریداری شده شش‌دانگ	تعداد روستاهای خریداری شده کمتر از شش‌دانگ	تعداد خانوارهای دریافت‌کننده زمین
بوشهر	۴۹	۱۳۲	۶۱۱

منبع: (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶).

مرحله دوم اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس

مرحله دوم اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس برخلاف مرحله اول آن که لاقلاً در آماربرداری با دقت و سرعت پیش رفت، چندان سرعت و جدیتی نداشت. بااینکه آغاز این مرحله در سال ۴۲ اعلام شده بود (پورافضل، ۱۳۵۱، ص ۳۲)، ولی آگهی آن را وزارت کشاورزی در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۴۳/۱۸ اکتبر ۱۹۶۴ در نواحی فارس و فرمانداری بنادر و جزایر اعلام کرد (ساکما فارس، ۲۹۳۲۵۵-۹۸).

از مشکلات اساسی و چالش‌های عمده در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس،



نبود سازمانی مستقل و کمبود مأموران آموزش دیده بود. کمبود امکانات چه از نظر نیروی انسانی و چه از لحاظ امکانات مالی باعث کندی اجرای قانون در این فرمانداری شده بود. در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۴۳/۵ جولای ۱۹۶۴ برای پیش‌برد کار و در جهت توجه کامل به وضع بنادر و جزایر خلیج فارس و به سبب وسعت و دورافتادگی منطقه مزبور از مرکز استان فارس و نبود امکان سرکشی و مراقبت کافی، از طرف وزیر کشاورزی دکتر ریاحی مقرر شد که از تاریخ فوق تمام واحدهای کشاورزی تابعه اداره کل اصلاحات ارضی فارس که در بنادر و جزایر خلیج فارس انجام وظیفه می‌کنند، با پرسنل و بودجه و اموال مربوطه از ابواب جمعی آن اداره کل خارج و در اداره‌ای مستقل به نام «اداره کشاورزی و عمران و اصلاحات ارضی بنادر و جزایر خلیج فارس» که مرکز آن در بوشهر قرار دارد، متمرکز شوند. قرار بود تا این اداره به وسیله دفتر مخصوصی از تهران نظارت و تقویت شود (ساکما، ۱۲۵۷۸۹-۲۹۳). این اقدام تاحدودی باعث بهبود اوضاع شد؛ ولی باتوجه به حجم کار و املاک بیشتری که مشمول مرحله دوم شده بود و کمی امکانات مالی و نیروی انسانی، روند اصلاحات ارضی هم‌چنان به کندی پیش رفت. با این حال امور مربوط به مرحله اول اصلاحات ارضی تا پایان این مرحله و آغاز مرحله دوم کماکان تحت سرپرستی اداره کل کشاورزی استان فارس باقی ماند و اجرای مرحله دوم به عهده اداره جدید واگذار شد (ساکما، ۱۲۵۷۸۹-۲۹۳).

در بوشهر نیز مانند فارس اختلاف میان مالکان و زارعان از مرحله دوم زیاد شد (ساکما، ۱۲۵۷۸۹-۲۹۳). به همین منظور، در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ از طرف وزارت کشاورزی، دستور تأسیس اداره کشاورزی برازجان به فرمانداری این شهرستان ابلاغ شد (ساکما، ۱۲۵۷۸۹-۲۹۳)؛ ولی ظاهراً با بودجه اندکی که برای آن در نظر گرفته شده بود، فرمانداری تنها قادر بود، کرایه محل اداره کشاورزی را تأمین کند و تأسیس این اداره تا مرحله سوم در سال ۱۳۴۹ هم‌چنان بلا تکلیف ماند و مشکلات بخش‌های مختلف فرمانداری هم‌چنان از طریق مرکز فرمانداری بوشهر رسیدگی شد.

از اقدامات سازمان اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر گزارش‌های محدودی موجود است. در این رابطه گزارش محرمانه‌ای را اداره کشاورزی و عمران و اصلاحات ارضی بنادر و جزایر خلیج فارس به ریاست مهندس خوجینی از روند اصلاحات ارضی تهیه کرده است که فعالیت‌های انجام‌شده از مرحله اول و دوم اصلاحات ارضی در این فرمانداری را روشن می‌کند. این گزارش فعالیت اصلاحات ارضی تا تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۴۵/۱۰ آگوست ۱۹۶۶ است که به دستور مستقیم وزارت کشور تهیه شده است. طبق آمار و ارقام این گزارش: ۱. در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس تعداد ۴۷۹ قریه وجود داشت که با حل شدن مشکلات ثبتی املاک مجهول‌المالک، این رقم به ۴۹۴



قریه و تعداد ۷ مزرعه افزایش یافت. ۲. تعداد ۸۳ قریه از املاک مشمولان مرحله اول که خود مالکان داوطلبانه تقاضای ثبت آن را داده بودند، در ابتدای اجرای قانون مورد عمل قرار گرفت و ۳۵۱۵ خانوار زارع با عائله ۱۷۵۷۵ نفری صاحب آب و زمین شدند. ۳. در ۵۵ قریه از املاک خالصه در مرحله اول نیز تعداد ۴۲۳۹ زارع با عائله ۲۱۱۹۵ نفری صاحب آب و زمین شدند. ۴. در ۷۸ رقبه و ۷ مزرعه از املاکی که مالکان داوطلبانه تقاضای ثبت آن را نداده بودند، به استناد ماده ۲۴ آیین‌نامه به قائم‌مقامی از طرف مالکان مستتکف تقاضای ثبت انجام شد؛ در نتیجه ۱۲ نفر مالک مشمول مرحله اول تشخیص داده شدند که کلاً معادل ۱۸۴ دانگ پراکنده و شش دانگ مالکیت داشتند که پس از تعیین و انتخاب حدنصاب قانونی (۷۲ دانگ به طور پراکنده و شش دانگ)، حدود ۱۱۲ دانگ پراکنده مازاد تعیین شد که طبق مقررات مرحله اول عملیات اجرایی آن انجام شد. در املاک انتخابی ۷۲ دانگ، مرحله دوم با انتخاب شق اجاره خاتمه یافت که در آمار مرحله دوم منظور شده است. ۵. مالکانی هم که در اجرای مرحله اول به علت وجود اشکالات ثبتی، مراحل قانونی درباره آن‌ها اجرا نشده بود در مرحله دوم، قانون درباره آن‌ها اجرا شد (ساکما، ۱۱۴۸۲-۲۳۰).

منطقه	اجاره		فروش		تقسیم		همکاری		فروش حق نسق	
	تعداد (نفر)	درصد کل کشاورزان	تعداد (نفر)	درصد کل کشاورزان	تعداد (نفر)	درصد کل کشاورزان	تعداد (نفر)	درصد کل کشاورزان	تعداد (نفر)	درصد کل کشاورزان
بوشهر	۶۹۳۳	۷۴	۲۴۲۵	۲۶	-	-	-	-	-	-

منبع: (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲).

جدول ۳

وضعیت کشاورزان بوشهر در مرحله دوم
اصلاحات ارضی

تعداد روستاهای مشمول مرحله دوم	تعداد روستاهای کامل شده تا ۲۸ بهمن ۱۳۴۴		شمار روستاهای معوق		شمار املاک مشمول	شمار زارعان مشمول	میانگین زارعان در هر ملک ^۱
	روستا	آبادی	روستا	آبادی			
۴۹۴	-	-	۳۶۲	-	۸	۳۴۰	۴۲٫۵ نفر

منبع: (ساکما، ۲۹۲۲۳-۰۳۲۰).

۱. هر ملک عموماً یک روستا یا اصطلاحاً یک قریه بوده است.

جدول ۴

گزارش منتشر شده سازمان اصلاحات ارضی
از عملکردش در بوشهر تا سال ۱۳۴۴



مبلغ کل خرید اعم از مشمول و داوطلب	مبلغ کل دستور پرداخت‌های صادره تا پایان اسفند ۱۳۵۱	مبلغ پرداختی از بابت قسط اول تا پایان اسفند ۱۳۵۱	
ریال ۲۶۶۷۳۵۴۳/۲۰ ریال ۱۹۰۰۱۲۵	ریال ۳۱۰۰۶۹۴۳/۵ ریال ۸۹۰۴۵۶۳/۵	پرداختی بابت املاک داوطلب	پرداختی بابت قسط اول املاک مشمول مرحله اول
ریال ۲۶۸۶۳۶۶۷/۲۰	ریال ۳۹۰۹۱۱۵۰۷ ریال ۲۶۰۰۶۴۰	ریال ۱۵۰۰۰۰۰۰	ریال ۱۹۰۰۰۲۹۴/۲۰
ریال ۲۶۸۶۳۶۶۷/۲۰	ریال ۳۹۰۶۵۰۸۶۷	ریال ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۵۰۰۰۰۰۰	ریال ۱۹۱۲۹۸۳/۲۰ ریال ۱۹۱۲۹۸۳/۲۰

منبع: (ساکما، ۲۹۲۲۳-۰۳۲۰).

جدول ۵

صورت حساب‌های پرداختی به مالکان در فرمانداری کل بوشهر تا اسفند سال ۱۳۵۱

مرحله سوم اصلاحات ارضی در بوشهر

مرحله سوم اصلاحات ارضی با اجرای «قانون توزیع و فروش املاک استیجاری» آغاز شد. اجاره‌داران از مرحله دوم اصلاحات ارضی بسیار ناراضی بودند؛ بین آن‌ها و مالکان تنش‌های زیادی وجود داشت و برخی معتقد بودند که اجاره‌داری مانع مدرن‌کردن کشاورزی و رشد تولید است. در این مرحله مالکانی که زمین خود را به کشاورزان اجاره داده بودند یا باید همراه با کشاورزان تشکیل واحدی زراعی می‌دادند یا باید زمین‌ها را به اجاره‌داران می‌فروختند یا آن را بین خود و کشاورزان تقسیم می‌کردند. در این مرحله قرار بود، قیمت خرید برابر با اجاره دوازده‌ساله باشد و طبق توافق مالک و مستأجر خرید و فروش انجام شود (پهلوی، بی‌تا، ص ۱۰۵). در مرحله سوم، دیگر دولت به‌طور مستقیم دخالت نداشت؛ مالکان هم سعی داشتند این مرحله را به هر طریقی که موافق منافع خودشان بود، انجام دهند.

در اطلاعیه اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بنادر و جزایر خلیج فارس آمده بود: «مالکینی که براساس مفاد ماده ۱۷ آیین‌نامه اصلاحات ارضی مصوب ۳ مرداد ۱۳۴۳/۲۵ جولای ۱۹۶۴ در اجرای قانون تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعان مستأجر آمادگی خود را برای انتقال این قبیل املاک به زارعان مربوطه اعلام داشته‌اند، موظف‌اند نسبت به [تعیین] قیمت ملک و تنظیم سند انتقال آن تا پایان دی‌ماه ۱۳۴۸/ ژانویه ۱۹۷۰ اقدام نمایند» (ساکما، ۱۴۱۷۲۳-۲۹۳). این اطلاعیه در حالی صادر شد که در بعضی از بنادر مانند دیر در همین زمان تعداد ده برگ از آگهی نوبت اول از طرف رئیس



اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی بنادر و جزایر خلیج فارس «محمد رهقی» برای بخشداری این ناحیه ارسال شده بود تا در معابر عمومی الصاق شود. در بعضی از مناطق فرمانداری بنادر و جزایر هم در مرحله اول و دوم فقط آماربرداری انجام شد و از تقسیم و واگذاری زمین هیچ خبری نبود (ساکما، ۱۴۱۷۲۳-۲۹۳).

در مرحله دوم، از بین شقوق انتخابی، تقریباً اکثر مشمولان این ناحیه، شق اجاره را انتخاب کرده بودند؛ یعنی ۶۹۳۳ کشاورز که ۷۴ درصد از کل کشاورزان منطقه بودند (عمید، ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). البته بسیاری از زارعان از دادن مال الاجاره امتناع می‌کردند و یا غالباً به دلیل شرایط جوی جنوب و کمی بارندگی و خشک‌سالی‌هایی که به صورت پی‌درپی در این نواحی وجود داشت، از پرداخت مال الاجاره عاجز بودند (ساکما، ۱۳۹۴۰-۱۴-۳۱۲)؛ بنابراین مالکان منطقه با واگذاری اراضی خود کاملاً موافق بودند. موضوعی که در این مرحله محل اختلاف بود، قیمت زمین‌های انتقالی بود. در مرحله اول که با دخالت مستقیم دولت قیمت زمین براساس ضریب مالیات پرداختی مالکان در سال‌های گذشته تعیین می‌شد، بیشتر مالکان شاکی بودند؛ زیرا طی سال‌های گذشته آن‌ها عموماً مالیاتی پرداخت نمی‌کردند. ولی در این مرحله که دولت دخالت کمتری داشت، مالکان هم سعی می‌کردند تا زمین‌های خود را با قیمتی غیر واقعی به زارعان واگذار کنند. این موضوع موجب درگیری‌هایی در اکثر نقاط کشور از جمله در فرمانداری بنادر خلیج فارس شد. در این مرحله برخلاف مرحله اول دیگر مأموران اداره اصلاحات ارضی و نیروهای ژاندارمری طرفدار زارعان نبودند و مالکان با حمایت آنان در هر مرافعه‌ای پیروز بودند. در این رابطه در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۴۸/۶ سپتامبر ۱۹۶۹ اهالی روستای دوراهک و کشاورزان آن به بخشداری بندر دیر شکایت کردند و به قیمت زمین‌های دیم قریه دوراهک که از طرف اداره اصلاحات ارضی بوشهر به آنان محول شده بود اعتراض کردند (ساکما، ۱۴۱۷۲۳-۲۹۳).

در بوشهر، هرچند که مالکان این حوزه بدون هیچ درگیری و عموماً خود داوطلبانه در اداره کشاورزی و یا سازمان اصلاحات ارضی حاضر شدند و اظهارنامه‌های خود را تکمیل کردند، ولی گزارش‌هایی نیز موجود است که نشان می‌دهد، مالکان برای حفظ منافع خود و یا گرفتن امتیازات بیشتر، مبالغ زیادی رشوه به مأموران اصلاحات ارضی و کارمندان اداره کشاورزی و دارایی پرداخت کرده‌اند. بعد از حوادث فارس و نظارت شدید نظامی، دیگر کسی جرأت مخالفت نداشت، بنابراین مالکان برای حفظ منافع خود به اقدامات دیگری متوسل شدند که آن خرید مأموران دولتی بود. اکثر اسناد موجود از جریان اصلاحات ارضی در فرمانداری بوشهر در ارتباط با همین تبانی‌ها و رشوه‌هایی است که مأموران دولتی در قبال حمایت خود از مالکان منطقه دریافت کرده‌اند. در یکی از این اسناد گزارشی به تاریخ

۱۳۴۹/۹/۱۶ از اداره بازرسی و نظارت بنادر وجود دارد که در آن از مأموران اداره اصلاحات ارضی در منطقه دشتی و کنگان به نام «احمد ذاکری» نام برده که با گرفتن رشوه در جهت منافع مالکان اقدام کرده است (ساکما، ۱۰۷۱۳-۰۱-۲۳۰) یا اینکه «علی وفاپور» کارمند سابق دارایی برازجان در زمان تصدی امور مربوط به املاک برازجان، در جریان اجرای قانون اصلاحات ارضی در حوزه دشتستان مبلغ چهارصد هزار ریال از مالکان دشتستان رشوه گرفته بود و صورت مالیات سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ را که میزان پرداخت مالیات آن بیش از میزان مالیات سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ بود به مأموران اصلاحات ارضی داده بود (ساکما، ۱۲۵۶۱۶-۲۹۳).

البته در این بین شکایاتی هم از اشتباهات مالیاتی وجود دارد. در اثر شکایات متعدد ارسالی، اداره اصلاحات ارضی بوشهر متوجه مطلب شده بود و تمامی شکایات را برای بررسی و اصلاح به شورای اصلاحات ارضی می‌فرستاد (ساکما، ۱۰۷۱۳-۰۱-۲۳۰). از دیگر دعاوی و شکایات در بوشهر این بود که مأموران آمارگیری با تحریک و تبانی مالکان در نسق‌بندی و تنظیم سند دست می‌بردند و افرادی را که ساکن ناحیه نبودند، در فهرست آماربرداری قرار می‌دهند (ساکما، ۱۰۷۱۳-۰۱-۲۳۰). بعضی از زارعان هم با این استدلال که آن‌ها داری نسق زراعی بوده‌اند، ولی زمینی به آن‌ها تعلق نگرفته است به وزارت اصلاحات ارضی شکایت کردند (ساکما تهران، ۱۰۷۱۳-۰۱-۲۳۰).

باتوجه به آنچه بیان شد و گزارش‌هایی که از روند اصلاحات ارضی در فرمانداری بنادر و جزایر وجود دارد، ظاهراً سازمان اصلاحات ارضی هرچند با دقت هرچه تمام‌تر فعالیت خود را در این ناحیه آغاز کرد، ولی به‌علت کمبود امکانات مالی و نیروی انسانی از رسیدگی به موقع به تمام امور مربوطه و شکایات ارضی عاجز بود (ساکما، ۱۲۵۷۸۹-۲۹۳). در ثانی به‌علت دورافتادگی منطقه و خارج شدن آن از حوزه نظارت فارس، مأموران و نیروهای ژاندارمری بدون نظارت دولتی، دیگر توجهی به امور زارعان نداشتند و با دریافت پول هر اقدامی را در جهت رضایت مالکان انجام می‌دادند.

بعد از آغاز اصلاحات ارضی و در نتیجه گزارش‌هایی که روزنامه‌ها منتشر کردند، دولت تاحدودی در توجه به نواحی بنادر و جزایر سعی نشان داد. علم در زمان نخست‌وزیری چندین بار به بنادر و جزایر خلیج فارس سرکشی کرد. در مجلس و سمینارهای اقتصادی دولت تاحدودی در توجه به وضعیت بنادر جنوب سعی نشان داده شد و طرح‌های عمرانی عمده‌ای برای این نواحی مطرح شد. در همان سال ۱۹۶۲/۱۳۴۱ دولت برای بهبود زندگی مردم در جنوب، امکانات مادی در اختیار جمعیت شیروخورشید گذاشته بود تا از این طریق مقداری از کمبودها در نواحی بنادر و جزایر خلیج فارس برطرف شود. هم‌چنین برای کاهش



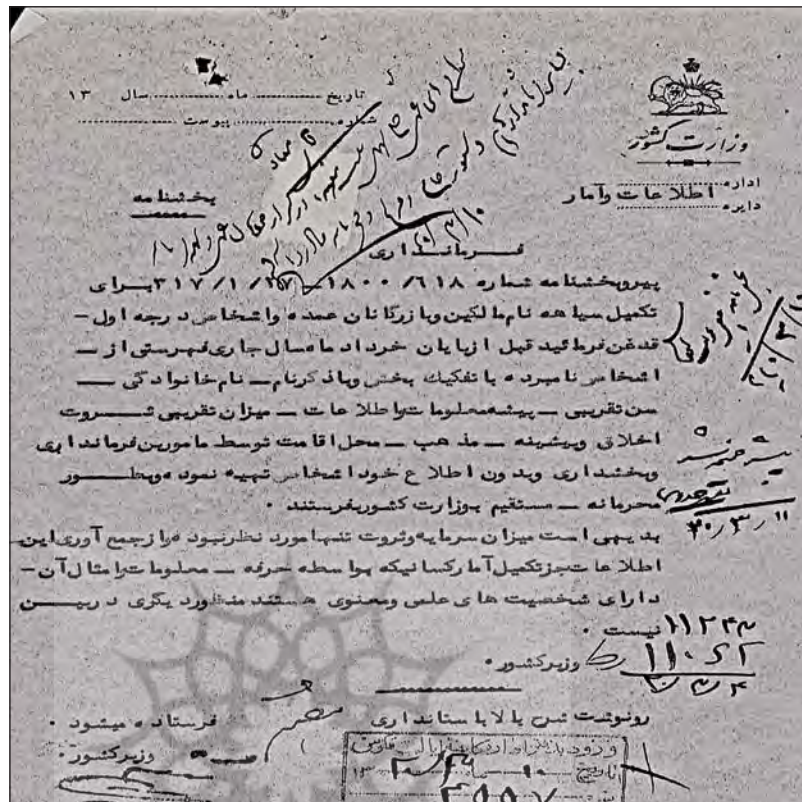
فقر و محرومیت در نواحی جنوب کشور، «شورای عمران امداد بنادر و جزایر جنوبی» در مرداد ۱۳۴۱ با حضور نخست‌وزیر تشکیل شد (کیهان، ۱۳/۵/۱۳۴۱، ص ۱۵). ولی گزارش‌های موجود در سال‌های بعد چه از طرف هیئت‌های سیاسی و چه خبرنگاران، نشان می‌دهد که اجرای اصلاحات ارضی در وضعیت ساکنان نواحی ساحلی و پس‌کرانه‌های آن در خلیج فارس تغییری حاصل نکرد. عمده بودجه‌های لحاظ‌شده برای طرح‌های عمرانی و توسعه فعالیت‌های کشاورزی را شورای مربوطه حیف‌ومیل می‌کرد. بیشتر روستاها یا فاقد راه بودند و یا دارای کوره‌راه‌هایی بودند که با کمترین بارندگی بسته می‌شد و دیگر هیچ دسترسی‌ای به مراکز شهری نداشتند (پیک نجسته، ۱۶/۶/۴۸، ش ۸۵۲). خارج از شهر بوشهر (مرکز فرمانداری) نیز ده‌ها و گاه صدها کیلومتر فقط بیابان‌های بی‌کشت‌وزرع و مرداب و نم‌کزار و مانداب وجود داشت. به طور کلی بعد از اصلاحات ارضی از باغداری و کشاورزی به حد متناسب در این نقاط خبری نبود (سلیم، ۱۳۵۱، ش ۲۵۲۲، صص ۱ و ۲).

نتیجه

اصلاحات ارضی درست بعد از گذشت یک سال از آغاز آن، در نواحی جنوب کشور اعلام شد. ولی با کشته‌شدن رئیس سازمان اصلاحات ارضی فیروزآباد در آغاز کار که بسیاری از محققان آن را برنامه‌آزمایش طراحی شده خود دولت برای پیش‌برد کار اصلاحات در نواحی جنوب کشور با وجود خوانین متنفذ دانسته‌اند، سریع‌تر پیگیری شد. اعلام حکومت نظامی در فارس و دستگیری بسیاری از خوانین متنفذ در این جریان، موجب شد تا دیگر مالکان و خوانین جنوب به دلیل دوری از اتهام دخالت در قتل و یا مخالفت با اصلاحات ارضی، دست از نارضایتی بردارند و به صورت داوطلبانه در سازمان اصلاحات ارضی و یا اداره کشاورزی حاضر شوند و اسناد مالکیت خود را واگذار کنند. در فرمانداری بنادر با وجود تدابیر شدید امنیتی و حضور نیروهای ژاندارمری کار اصلاحات ارضی به خوبی و بدون هیچ‌گونه درگیری پیش رفت؛ ولی با وجود ضرب‌الاجل دولتی در سرعت انجام اصلاحات ارضی و اتمام آن در ظرف مدت یک ماه، این کار به‌کندی پیش رفت و تا سال‌های پایانی اصلاحات ارضی در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ هنوز مناطقی از مرحله اول مانده بودند که فقط آماربرداری شده بودند. نبود سازمان مستقل در بخش‌ها و مناطق فرمانداری و جدایی آن از استانداری فارس و کمبود امکانات مالی و نیروی انسانی از عمده مشکلات در فرمانداری بنادر بود که هرچند بارها به مرکز گزارش داده شد، ولی برای رفع آن اقدامی چشمگیر انجام نشد. در مرحله اول تحت فشار دولتی و وجود نیروهای ژاندارمری مالکان این نواحی اجازه‌ای برای مخالفت با قوانین اصلاحات ارضی نداشتند؛ ولی در مراحل دوم

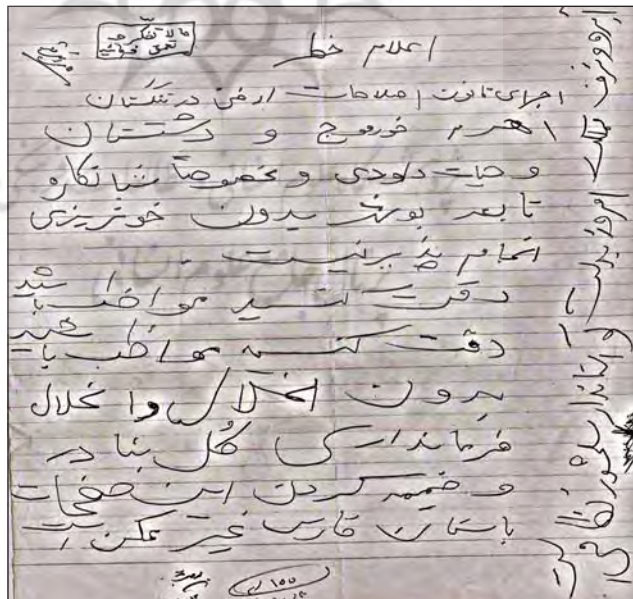
و سوم با کم‌رنگ‌شدن جدیت دولت و تغییر اوضاع، مالکان درصدد برآمدند تا با دادن رشوه به مأموران سازمان اصلاحات ارضی و یا نیروهای ژاندارمری منافع بیشتری برای خود حفظ کنند.





سند شماره ۲

دستورالعمل وزارت کشور در بررسی
میزان دارایی ملاکان و تجار جنوب



سند شماره ۳

اعلام خطر دربارهٔ احتمال شورش در
میان خوانین و ملاکان جنوب در تاریخ
۱۳۴۱/۹/۱۳



- پهلوی، محمدرضا. (بی تا). *به سوی تمدن بزرگ*. تهران: کتابخانه پهلوی.
- حسینی فسایی، میرزاحسن. (بی تا). *فارسنامه ناصری*. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- حقیقت رفیع، عبدالرفیع. (۱۳۷۶). *فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران*. تهران: انتشارات کومش.
- خاطرات ۱۵ خرداد شیراز. (ج ۲). (۱۳۷۵). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خسروی، خسرو. (۱۳۵۷). *جامعه دهقانی در ایران*. تهران: انتشارات پیام.
- دومورینی، ژ. (۱۳۷۵). *عشایر فارس (اصلاحات ارضی)*. (دکتر جلال‌الدین رفیع فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سوداگر، محمد. (۲۵۳۷). *نظام ارباب‌رعیتی در ایران*. تهران: مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۶۸). *بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، محمدجواد. (۱۳۸۱). *کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران*. (رامین امینی‌نژاد، مترجم). تهران: نشر نی.
- فریدی مجید، فاطمه. (۱۳۹۰). *سرگذشت تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۸۵*. (جلد ۲). تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- لمبتون، آن. (۱۳۴۵). *مالک و زارع*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۹۴). *اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۵*. (مهدی اسحاقیان، مترجم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محرمی، نعمت‌الله؛ مهربان، حسن. (۱۳۸۵). *مجموعه قوانین و مصوبات تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۶۳*. تهران: گوهرشاد.
- مراغه‌ای، حاج‌زین‌العابدین. (بی تا). *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ یا بلای تعصب او*. چاپ قاهره.
- هوگلاند، اریک. (۱۳۸۱). *زمین و انقلاب در ایران*. (فیروزه مهاجر، مترجم). تهران: انتشارات شیرازه.
- مقاله**
- اشرف، احمد؛ بنوعزیزی، علی. (۱۳۷۲). «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی». (عماد افروغ مترجم). *راهبرد*، ش ۲، صص ۱۰۲-۱۲۶.
- زاهدانی، زاهد؛ ایمان، محمدتقی. (۱۳۶۱). «تاریخچه تعاونی‌های روستایی ایران». *سلسله‌مقالات بخش برنامه‌ریزی و جامعه‌شناسی*، ش ۱۲.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۷۳). «مروری تحلیلی بر سیر تحقیقات روستایی و عشایری در ایران». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۲، ش ۶، صص ۱۵۱-۱۵۹.
- سلیم. «سفری گذرا به جنوب». *روزنامه بهار ایران*. ۱۳۵۱/۱۰/۱۴، ش ۲۵۲۲، صص ۱-۲.
- کلاهی، رسول. (۱۳۴۶). «بررسی اجمالی جغرافیای کشاورزی ایران». *نشریه جغرافیایی، بخش اقتصاد*

دانشگاه شیراز، شماره ۳، صص ۱۲-۱۳.

روزنامه

اطلاعات: ۱۳۳۸/۱۰/۲۵؛ ۱۳۴۱/۸/۲۳؛ ۱۳۴۱/۱۲/۲۸.

پارس: ۱۳۴۱/۸/۱۲؛ ۱۳۴۱/۸/۲۳.

پیک خجسته: ۱۳۴۵/۳/۲۹؛ ۱۳۴۸/۶/۱۶.

خواندنی‌ها: ۱۳۴۰/۱۱/۲۱.

سروش: ۱۳۲۴/۱۱/۲۲.

کیهان: ۱۳۴۰/۴/۱۷؛ ۱۳۴۱/۵/۱۳؛ ۱۳۴۱/۸/۷؛ ۱۳۴۱/۸/۲۳؛ ۱۳۴۱/۹/۱۵.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 010713-230; 230-11482; 240-62127; 290-4054; 293-141723; 312-14-13940; 320-029223; 350-000183. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Fārs (Sākmā) (National Library and Archives Centre of Fars): 98-293255; 98-293-2975; 98-293-8915; 98-293-4436. [Persian]

Books

Amid, Mohammad Javad. (1381/2002). "*Kešāvarzi, faqr va eslāhāt-e arzi dar Irān*" (Agriculture, poverty and reform in Iran). Translated by Ramin Amininejad.

Tehran: Našr-e Ney. [Persian]

Amir Ahmadian, Bahram. (1385/2006). "*Taqsimāt-e kešvari*" (The country's divisions of provinces) (vol. 1). Tehran: Daftar-e Pažuheš-hā-ye Farhangi. [Persian]

Demorgny, Gustave. (1375/1996). "*Ašāyer-e Fārs: Eslāhāt-e arzi*" (La Fars: La question des Tribus, situation politique generale routes du sud. La réforme foncière) [Fars: The question of the Tribes, general political situation southern roads. Land reform]. Translated by Dr. Jalal Al-Din Rafi'far. Tehran: Enteshārāt-e Dānešgah-e Tehrān. [Persian]



- Faridi Majid, Fatemeh. (1390/2011). *“Sargozašt-e taqsimāt-e kešvari 1285-1385”* (History of the divisions of the country 1906-2006) (vol. 2). Tehran: Bonyād-e Irānšenāsi. [Persian]
- Haghighat Rafi, Abd Al-Rafi. (1376/1997). *“Farhang-e tārixi va joqrāfiāyi-ye šahrestān-hā-ye Irān”* (Historical and geographical culture of Iranian towns). Tehran: Enteshārāt-e Kumeš. [Persian]
- Hooglund, Eric James. (1381/2002). *“Zamin va Enqelāb dar Irān”* (Land and revolution in Iran, 1960-1980). Translated by Firouzeh Mohajer. Tehran: Enteshārāt-e Širāzeh. [Persian]
- Hosseini Fasaei, Mirza Hasan. (n. d.). *“Fārsnāme-ye Nāseri”* (Naseri's Book on Fars). Tehran: Enteshārāt-e Ketābxāne-ye Sanāyi. [Persian]
- Ivanov, Mikhail Sergeevich. (1385/2006). *“Ašāyer-e jonub”* (Plemena Farsa; Kashkaiškīe, Khamse, Kukhgiluīe, Mamasani.) [Tribes of Fars; Qashqai, Khamseh, Kohgiluyeh, Mamasani.]. Translated by Keyvan Pahlevan & Masoumeh Dad. Tehran: Enteshārāt-e Ārvan. [Persian]
- Khosravi, khosro. (1357/1978). *“Jāme'e-ye dehqāni dar Irān”* (Peasant society in Iran). Tehran: Enteshārāt-e Payām. [Persian]
- Lambton, Ann Katharine Swynford. (1394/2015). *“Eslāhāt-e arzi dar Irān 1340-1345”* (Landlord and peasant in Persia: A study of land tenure and land revenue administration). Translated by Mehdi Eshaghian. Tehran: Enteshārāt-e Amir Kabir. [Persian]
- Maragheei, Haj Zein Al-Abedin. (n. d.). *“Siāhatnāme-ye Ebrāhim Beig yā balā-ye ta'assob-e ou”* (Ibrahim Beig's travelogue or the plague of his prejudice). (n. p.): Čāp-e Qāhereh. [Persian]
- Pahlavi, Mohammad Reza. (n. d.). *“Be su-ye tamaddon-e bozorg”* (Toward the great civilization: A dream revisited). Tehran: Ketābxāne-ye Pahlavi. [Persian]
- Pour Afzal, Hasan. (1351/1972). *“Eslāhāt-e arzi va vāhed-hā-ye daste-jam'ee-ye towlid-e kešavarzi”* (Land reform and collective agricultural production units). Širāz: Enteshārāt-e Dānešgāh-e Pahlavi. [Persian]
- Safinejad, Javad. (1368/1989). *“Boneh: Nezām-hā-ye zerā'ati-ye sonnati dar Irān”*

- (Traditional farming structures in Iran). Tehran: Enteshārāt-e Amir Kabir. [Persian]
- Sodagar, Mohammad. (2537/1958). "*Nezām-e arbāb ra'yati dar Irān*" (Landlord-peasant system in Iran). Tehran: Mo'assese-ye Tahqiqāt-e Eqtesādi Ejtemāee-ye Pāzand. [Persian]
- "*Xāterāt-e pānzdah-e Xordād-e Širāz*" (Memoirs of Khordad 15th in Shiraz) (vol. 2). (1375/1996). Tehran: Sāzmān-e Tabliqāt-e Eslāmi (Islamic Development Organization). [Persian]

Articles

- Ashraf, Ahmad & Banu Azizi, Ali. (1372/1993). "Tabaqāt-e ejtemāee dar dowre-ye Pahlavi" (Social classes in the Pahlavi period). Translated by Emad Afrough. *Rahbord*, 2, pp. 102-126. [Persian]
- Kolahi, Rasoul. (1346/1967). "Barresi-ye ejmāli-ye joqrāfiā-ye kešāvarzi-ye Irān" (An overview of the agricultural geography of Iran). *Našri-ye Joqrāfiāyi, Baxš-e Eqtesād-e Dānešgāh-e Širāz* (Geographical Journal, Department of Economics, Shiraz University), 3, pp. 12-13. [Persian]
- Salim. (1351/1973). "Safari gozarā be jonub" (A brief journey to south). *Ruznāme-ye Bahār-e Irān* (Bahar Iran Newspaper), published on 14/10/1351 (January 4th, 1973), issue number 2522, pp. 1-2. [Persian]
- Zahedani, Zahed & Iman, Mohammad Taghi. (1361/1982). "Tārixče-ye ta'āvoni-hā-ye rustāyi-ye Irān" (History of Rural Cooperatives in Iran). *Selseleh maqālāt-e baxš-e Barnāme-rizi va Jāme'e-šenāsi* (Articles series in the field of planning and sociology), 12. [Persian]
- Zahedi Mazandarani, Mohammad Javad. (1373/1994). "Moruri tahlili bar seir-e tahqiqāt-e rustāyi va ašāyeri dar Irān" (An analytical review of rural and nomadic research in Iran). *Eqtesād-e Kešāvarzi va Towse'e* (Agricultural Economics and Development), 2 (6), pp. 151-159. [Persian]

Newspapers

- Ettelā'āt*: 25/10/1338 (January 16, 1960); 23/8/1341 (November 14, 1962); 28/12/1341



(March 19, 1963). [Persian]

Pārs: 12/8/1341 (November 3, 1962); 23/8/1341 (November 14, 1962). [Persian]

Peik-e Xojasteh: 29/3/1345 (June 19, 1966); 16/6/1348 (September 7, 1969). [Persian]

Xāndani-hā: 21/11/1340 (February 10, 1962). [Persian]

Soruš: 22/12/1324 (February 11, 1962). [Persian]

Keyhān: 17/4/1340 (July, 8, 1961); 13/5/1341 (August 4, 1962); 7/8/1341 (October 29, 1962); 23/8/1341 (November 14, 1962); 15/9/1341 (December 6, 1962). [Persian]

